

عشق مدیریت

تغییرات سبک مدیریتی در نزد برخی از مدیران تازه به دوران رسیده و علاقه مند به امر ونهی می تواند مراکز دولتی و غیر دولتی و حتی مراکز علمی ما را تا مرز نابودی و زمین خوردن محض رهنمون بکند.

وقتی مرکز پرورش استعدادها و مهد علم آموزی و تولید علم را با تالار میهمانی اشتباه بگیریم و زمانی که تبدیل یک مرکز تحقیقاتی به یک محل تفریحی را در اولویت قرار بدهیم و یا وقتی که برای افزایش کیفیت آموزش و کارهای تحقیقاتی و پژوهشی اهمیت زیادی قائل نباشیم اندکی تفکر لازم است که آینده علم و پژوهش در این سرزمین را نگران کننده تلقی نماییم.

وقتی حیف و میل اموال عمومی را جامه حق بپوشانیم و تأسیسات بزرگ و منحصر به فردی تحت عنوان خصوصی سازی را به آتش بکشیم و یا وقتی اقدامات اکثریت مدیران بر پایه روابط بانندی و جناحی باشد و پست ها و مناصب بر اساس شایستگی ها واگذار نگردد و یا به جای عمل کردن، شعار دادن اقدام غالب دست اندرکاران باشد بازگشت به عقب حتمی خواهد بود.

در هر گوشه ای از این کشور، مردم باید یک دندگی و خودمحوری مدیران را تحمل نکنند. بانندی عمل کردن و میدان دادن به چهره های لابی گر و معامله کن آسیب های زیادی به بدنه جامعه و دستگاه های اجرایی وارد کرده است و چنانچه این سیاست ادامه یابد افزایش میزان این آسیب ها در آینده حتمی خواهد بود.

به رغم این که برخی از مدیران و دست اندرکاران امر در انجام وظیفه به نحو مطلوب عمل نکرده و از عوامل ایجاد نارضایتی در بین مردم می باشند ولی حاضر به ترک مسئولیت نیستند و تازه با شروع کار مجلس یازدهم زنبیل به دست در سراغ ستاره ها هستند تا شاید بتوانند برای مدتی نسبت به محکم کردن پیچ های شل شده مدیریت بپردازند

آیا دو روز ماندن بیشتر در مدیریت با ارزش تر از شرمندگی در قبال پروردگار بزرگ و وارد کردن ضربات مهلک به یک مجموعه است؟ انشاله که خداوند رحمان و رحیم ما را به راه راست هدایت فرماید.